



خوابگاه دختران

سینمای وحشت در دهه ۸۰ به اوج رسید. فیلم‌های زیادی در همین دهه تولید شد. فیلم‌هایی که هر کدام به نوبه‌ای نقد و ایراداتی به آن وارد بود. بعد از محمدعلی سجادی، محمدحسین لطیفی دست به کار شد و با استفاده از باورهای ایرانی، فیلم «خوابگاه دختران» را در سال ۸۲ روانه سینماها کرد. فیلمی که داستان خیلی عجیبی نداشت، به غیر از یک یا دو سکانس، مخاطبان تیش قلب نمی‌گرفتند، اما فیلمی است که در همین دسته قرار می‌گیرد. عجیب است که قصه «خوابگاه دختران» هم وام‌گیرنده از باورهای ایرانی در مورد جن و بری است. نویسنده داستان ایرج طهماسب بود و نگار جواهریان، باران کوتری، مجید صالحی و... باز یکران این فیلم ترسناک بودند.



بارک وی

فیلم بعدی «بارک وی» است. فیلمی که در زمان اکرانش سر و صداهای زیادی بر پا کرد. فیلم، قصه پسر خوش قیافه‌ای را روایت می‌کند که از بیماری روانی رنج می‌برد، اما مادرش قصد پنهان کردن بیماری‌اش را دارد و فکر می‌کند که با سر و سامان دادن، درمان می‌شود. بی‌خبر از این که مادر داستان هم خودش را از او بیمار تر است و... فیلم یک صحنه معروف دارد که کیکی برابر اصل یکی از شاهکارهای سینمای جهان است، فیلم «در خشخشی» به کارگردانی استنلی کوپرک، در خیلی از نظرسنجی‌ها، صحنه‌ای که چک نیکلسن در آن با یک تبر سوراخ می‌کند، به عنوان ترسناک‌ترین صحنه انتخاب شده است. این صحنه عین به عین با بازی نیما شاهرخ شاهی تکرار شده است و ایرادهای زیادی به کارگردان گرفته شده. به هر حال «بارک وی» را می‌توان به عنوان یکی از فیلم‌های زائر وهم آلود این گزارش جای داد.



اقلیما

سال ۸۵ دو فیلم ترسناک در سینماهای ایران با فاصله کمی به نمایش در آمدند. یکی از آن‌ها «بارک وی» فریدون جیرانی و دیگری «اقلیما» محمد مهدی عسگر پور است. فیلمی وهم آلود که قصه عجیبی را به تصویر می‌کشد. داستان زنی که به شوهرش شک دارد و بیماری که فکر می‌کند دچارش شده و... پاتنه او، پسر حسین یاری، احمد مهرانفر، هنگامه قاضیانی و... باز یکران این فیلم بودند. فیلمی که بسیاری از منتقدان عقیده دارند جای گرفتن آن در زمره فیلم‌های ترسناک، خیلی درست به نظر نمی‌رسد.



خواب لایلا

«خواب لایلا» به کارگردانی مهرداد میرداد میلان فیلمی است که در سال ۸۶ با بازی لایلا زارع، فاطمه معتمد آریا، پرویز پورحسینی، ماهایا بطروش و... به نمایش در آمد. فیلم قصه عجیبی را به تصویر کشیده است. قصه‌ای که لایلا فیلم‌های دیگر هم شده و به آن اندازه‌ای که باید مورد توجه قرار نگرفت، اما حساب کنید در سال ۸۶ یک کارگردان ایرانی یک داستان فانتزی را با فضای وهم آلودی مخلوط و در نهایت فیلم آبرومندی را راهی سینماها کرده است. «خواب لایلا» قصه دختری ۲۶ ساله است که به تهنایی در خانه به ارت رسیده از پدر و مادرش زندگی می‌کند. او مدتی است که توسط دختری شش ساله که از قدرت خارق‌العاده‌ای برخوردار است مورد حمله‌های وحشیانه قرار می‌گیرد. دکتر و پوریا عقیده دارد تنها راه رهایی وی جستجو در گذشته‌های فراموش شده دوران کودکی او است. این جستجو به جایی نمی‌رسد تا در نهایت او را به دکتر سپهرانی می‌سپارند تا لایلا را در یک سفر درونی برای ملاقات با ضمیر ناخودآگاهش ببرد.



دختران خوابگاه

گزارشی روی فیلم‌های ترسناک و وهم آلود ایرانی

المیرا حصارکی

از هفته پیش فیلم سینمایی «روایت ناپدید شدن مریم» در گروه هنر و تجربه اکران شده است. فیلمی که به گفته بسیاری از منتقدان سینمایی حرف‌های تازه‌ای را در زانو سینمایی وحشت می‌زند. فیلمی که ماجرای مرد مستندسازی را به تصویر می‌کشد که سال ۷۸ بعد از حادثه‌ای به گسما می‌رود و همسرش مریم ناپدید می‌شود. مرد داستان به همراه دوستش در حال ساخت مستندی در مورد نیروهای ماورایی بودند و حالا به کما رفتن قهرمان داستان، سر آغازی است برای ماجراهای عجیبی که شمارا به راحتی در صندلیتان میخکوب می‌کند. فیلم به شدت ایرانی است، باورهای ایرانی در فیلم موج می‌زند و مردمی که در سینما به تماشا می‌روند می‌نشینند، با قصه‌ای که در پرده نقاره‌های می‌بینند، غریبه نیستند. هر کدام از آن‌ها قصه‌ها را از زاویه‌های مختلفی یا گفته‌اند یا شنیده‌اند. اکران «روایت ناپدید شدن مریم» و البته «ماهی و گریه» فضای جدیدی را در سینمای وحشت ایجاد کرده‌اند. اولی قصه خوبی دارد و دیگری علاوه بر قصه خوب، یکی از عجیب‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر سینمای ایران است. اکران این دو فیلم بهانه‌ای است تا فیلم‌های ترسناک ایرانی را یک بار دیگر با هم مرور کنیم، فهرستی از فیلم‌های شاخص زائر وحشت، فیلم‌هایی که تقریباً هیچ کدام نتوانسته به خوبی با فیلم‌های روز جهان در همین ژانر رقابت کند و به نظر می‌رسد که حالا فرصت جدیدی برای علاقه‌مندان سینمای وحشت به وجود آمده است.



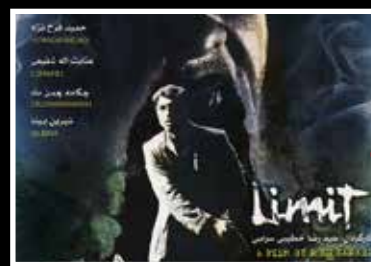
سامونل خاچیکیان

شاید بتوان اینطور گفت که سامونل خاچیکیان، پایه‌گذار سینمای وحشت و دلهره در ایران باشد. او با فیلم‌های موفقی همچون «فریاد نیمه شب»، «دلهره» و «ضربت» نقش عظیمی را در سینمای وحشت ایران ایفا می‌کند. فیلم‌هایی که شاید امروز با تماشای آن‌ها ته‌ناتر سیم، بلکه خنده‌مان هم بگیرد. اما هر سه فیلم در زمان اکران با استقبال خوبی از طرف مخاطبان روبه‌رو شدند. مخاطبانی که تا همان زمان تجربه‌ای از سینمای وحشت و دلهره نداشتند و به سینماها می‌رفتند و از تماشای فیلم غرق ترس و البته لذت می‌شدند. اگر قرار باشد یکی از بهترین فیلم‌های ترسناک سینمای قبل از انقلاب را اسم ببریم، بدون شک می‌توان از «ضربت» اسم برد. فیلمی که با مرور زمان کیفیت ساخت بالایی پیدا کرده بود و داستان ترسناکی هم روایت می‌کرد. فیلم قصه مردی به نام جمال را روایت می‌کرد که در نزاعی با دوستش او را می‌کشد و در باغ خانه‌اش دفن می‌کند و همین اتفاق باعث به وجود آمدن ماجراهای ترسناک می‌شود و سر نوشت عجیبی را برای قهرمان داستان رقم می‌زند.



شب بیست و نهم

بعد از انقلاب تا سال‌ها خبری از فیلم ترسناک نبود، تقریباً هیچ کارگردانی حوصله نوشتن یک فیلمنامه ترسناک را نداشت. بیشتر فیلم‌ها یا در زمینه انقلاب بودند. یا برای کودکان فیلم می‌ساختند و با رسیدن دوره جنگ فیلم‌ها همه رنگ و بوی دفاع مقدس به خودش گرفت. اما سال ۶۸، حمید درخشانی تصمیم به ساخت فیلم «شب بیست و نهم» گرفت. فیلمی که یک سال بعد با بازی رضا رویگری، مرچانه گلچین، حسین گل، زیلا موسوی، حمیده خیرآبادی و... به اکران عمومی در آمد و در همان سال‌ها جزو فیلم‌های پر فروش بود. قصه ترسناک یک شرح با روح که با قصد انتقام گیری از قهرمان مرد داستان در دنیا معلق است. «شب بیست و نهم» با تمام کم و کاستی‌هایش تلاش بزرگی برای زائر وحشت در سینمای ایران به حساب می‌آید، فیلمی که با گذشت این همه سال، هنوز هم از آن به عنوان ترسناک‌ترین فیلم ایرانی یاد می‌شود.



حوریم

سال ۸۸ دو فیلم ترسناک روی پرده سینماها آمدند. «حوریم» به کارگردانی سیدرضا خطیبی سرای و «آل» به کارگردانی بهرام بهرامیان. هر دو فیلم به گونه‌ای از باورهای ایرانی استفاده کرده‌اند. هر دو فیلم شاهد هستیم که چقدر داستان‌هایی که دهان به دهان شنیده‌ایم در زندگی آدم‌های امروزی می‌تواند تأثیر داشته باشد. در «حوریم» با داستان نگهبانان جنگل روبه‌رو هستیم که از ورود افراد بیگانه به حریمشان جلوگیری می‌کنند و به همین خاطر چند تورست امریکایی در حاشیه جنگل به قتل رسیده‌اند و داستان اینطور آغاز می‌شود و با یک باور خیلی قدیمی ایرانی به پایان می‌رسد. در فیلم «آل» هم شاهد هستیم که چقدر یک باور قدیمی می‌تواند زندگی آدم‌ها را از بیرون کند. باور قدیمی «آل» در جای‌جای فیلم به چشم می‌خورد. بهرام بهرامیان، فیلم خوش ساختی را روانه سینماها کرد. اما پرداخت درستی را برای ساخت قصه‌اش انتخاب نکرد و همین باعث شد تا استقبال خوبی از فیلم نشود.



کلبه

در سال ۸۷ جواد افشار کارگردانی فیلم «کلبه» را بر عهده گرفت، فیلمی که فیلمنامه نویسنش برزو نیک‌نژاد بود و کامبیز دبیران، احمد مهرانفر، بهاره افشاری، سحر ریحانی، بابک حمیدیان، جمشید هاشم پور و... در آن بازی کرده‌اند. فیلم قصه یک خطی ترسناکی دارد. اما نوشته با فیلمی که به تصویر در آمده یک دنیا فاصله دارد. وقتی قبل از رفتن به سینما می‌خوانیم که چهار دانشجو برای انجام تحقیقی به غسالخانه‌ای در جنگل می‌روند و برای آن‌ها اتفاق‌های عجیبی رخ می‌دهد، باید انتظار یک فیلم سراسر وحشت را داشته باشیم، اما در مورد «کلبه» این اتفاق نیفتاد!



عکس نوشت

فیلم مستانه به کارگردانی حسین فرخ بخش از امروز در سینماهای ایران اکران شده است.

دیالوگ‌باز

رقص در غبار

رقص در غبار به راحتی به دل می‌نشیند و حتی بعد از گذشت دوازده سال، باز هم می‌توان فیلم را دید و از تماشای آن لذت برد. قاضی: علت طلاقتون چیه؟ نظر: یه چیز خصوصیه قاضی: ما اینجا چیز خصوصی نداریم... دفعه قبل گفتین تفاهم ندارین... نظر: آره دیگه... همون که شما می‌گید قاضی: (خطاب به ریحانه) شما چی؟ ریحانه: دوش ندارم حاج آقا... نظر: تو نمونی دوس نداری؟! ریحانه: (چشمک می‌زند) نظر: (چشمک می‌زند) منم دوش ندارم حاج آقا... قاضی: مهتر چی؟ ریحانه: نمی‌تونه بده... قاضی: یعنی نمی‌خوای؟ نظر: چرا... می‌خواه آقای قاضی... می‌خوای... قاضی: خوب پس... اول مهره رو برداخت کن نظر: ندارم که...

دیدگاه

فرزاد مؤتمن: بازیگر میانسال فعال نداریم

فرزاد مؤتمن این روزها در حال فیلمبرداری فیلم «خدا حافظی طولانی» است. فیلمی که سعید آقاخانی، میترا حجار، ساره بیات در آن ایفای نقش می‌کنند. فرزاد مؤتمن در مورد انتخاب نقش اول فیلمش اینطور می‌گوید: «یکی از مشکلات ما در سینمای ایران این است که بازیگر در محدوده سنی ۴۰ تا ۴۵ سال به شدت کم است. ظاهراً بازیگر داریم، اما وقتی سراغشان می‌رویم می‌فهمیم که بازیگر نداریم. در سال‌های اخیر، بازیگرهای ما اغلب مقیم خارج از کشور شده‌اند و به سختی می‌توان به آن‌ها گفت بازیگرهای سینمای ایران. هر وقت قرار است برای فیلمی با آن‌ها مذاکره کنیم یک بلیت دارند که می‌گویند تا این تاریخ کار ما را تمام کنید. می‌خواهیم برویم و بعضی‌ها را هم باید خارج از کشور پیدا کنیم. خیلی از این بازیگران چند ماهی از آن طرف آب می‌پند و خیلی سریع هم دو تا تاتار راه می‌اندازند و سه تا سرایل بازی می‌کنند و جیششان که دوباره پر شده، می‌روند. این شرایط غریبی است که شهباش را نداشته‌ایم. در این شرایط با گروه فیلمسازی در فکر این بودیم که نقش اول فیلم را به چه کسی باید بدهیم؟ مردی که به اتهام قتل در زندان بوده و تبرئه شده و برگشته و کارش را می‌خواهد انجام دهد. به همین دلیل نمی‌توانستیم سراغ هر بازیگری برویم. بازیگر باید خصوصیات طبقه‌ای ویژه‌ای می‌داشت تا بتواند ما را به این قشر و طبقه نزدیک کند.